

مدیریت تنوع فرهنگی و هویت ملی

دکتر آذر قلی‌زاده*، مریم سهرابی رنانی*، زهرا سهرابی رنانی*

چکیده

هویت ملی در میان هویت‌های دیگر از جهت سیاسی اهمیت ویژه‌ای دارد. هویت ملی در حوزه سیاست آرمان‌ها را تحقق می‌بخشد، به حیات جامعه ملی و همبستگی آن مشروعیت می‌بخشد و بر میزان اقتدار و سیطره آن بر اقتدار گروهی می‌افزاید. اقوام و اقلیت‌های دینی و مذهبی از منابع با اهمیت هویت ملی هستند. زمانی دموکراسی در یک کشور زمینه تحقق دارد که حاملان هویت در سطح ملی، اختلافات خود را حل کرده و به هویتی واحد و هماهنگ رسیده باشند. با توجه به افق چشم انداز بیست ساله که توسعه‌یافته‌گی را متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی و ارزشهای اسلامی، ملی و انقلابی و با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادیهای مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسانها و بهره‌مندی از امنیت اجتماعی و قضایی، می‌داند، نقش مدیریت تنوع فرهنگی در راستای پررنگ کردن مشترکات اقوام و ادیان، نقشی تأثیر گذار و پراهمیت است. بر همین اساس در این مقاله سعی بر آن است که مفاهیم تنوع فرهنگی، مدیریت متناسب با تنوع فرهنگی و نقش آن را در هویت ملی با توجه به سند چشم انداز بیست ساله مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: تنوع فرهنگی، مهارت‌های مدیریت تنوع فرهنگی، هویت ملی، سند چشم‌انداز بیست ساله.

مقدمه

کشور ایران از اقوام و خرده فرهنگهای زیادی تشکیل شده است که با وجود تفاوتی در فرهنگ، آداب و رسوم، دین و زبان، در طول تاریخ هزاران ساله به عنوان یک ملت در کنار هم زندگی

* دکتری جامعه‌شناسی، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان اصفهان و مدیر گروه کارشناسی ارشد امور فرهنگی

* دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان. m.sohrabirenani@yahoo.com

* کارشناس ارشد برنامه ریزی آموزشی. sohrabirenani@yahoo.com

کرده‌اند. برآیند تعامل همین گروه‌های قومی است که هویت ملی و فرهنگی ایران را شکل بخشیده و هر یک به سهم خود، بر آن افزوده‌اند و در نهایت در این هویت کلان فرهنگی مستحیل و خود بخشی از آن شده‌اند. در واقع، هویت ملی ایران چتر گسترده و فراگیری است که در عین وحدت، همه اقوام ایرانی را در ذیل خود جای داده است و نضج، دوام و استمرار هویت ایرانی در طول تاریخ مدیون گروه‌های مختلف قومی و همه آنانی است که قلبشان برای عظمت، آبادانی و سرافرازی این ملت و کشور می‌تپد. نگاه تکثرگرایانه در نگرش هویتی و به رسمیت شناختن هویت‌های قومی و دینی، اهمیت قائل شدن به هویت‌های ترکی، کردی، لری، عربی، ارمنی و... در کنار هویت فارسی و شیعی مسئله بسیار مهمی است. همچنین باور به این اصل که "هویت ایرانی برآیند تلفیق هویت‌های قومی و دینی است، نه فقط هویت فارسی و شیعی"، و توجه به این اصل که دست یافتن به آرمان‌ها و اهداف بلند سند چشم‌انداز بیست ساله ایران، نیازمند همبستگی ملی، تداوم، پایداری، برنامه ریزی برای پیشرفت، توسعه و ارتقای جایگاه و منزلت بین‌المللی کشور است، لزوم بکارگیری مدیریت صحیح تنوع فرهنگی را پراهمیت تر می‌کند (قیصری و صالحی امیری، ۱۳۸۷).

نکته مهم در مقوله تنوع به طور عام و در تنوع فرهنگی به صورت خاص این است که اصل تنوع واقعیت انسانی است. بنابراین تصور اجتماعی که در آن همه مردم یک الگوی رفتاری، یک سنت و رسم و یا یک لهجه و زبان داشته باشند چندان با واقعیت‌های اجتماع انسانی سازگار نیست. خداوند در قرآن کریم در سوره حجرات آیه ۱۳ با بیان (یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقاکم) تمایزات فردی و اجتماعی انسانی را عامل شناخت متقابل دانسته و آن را گرامی داشته است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز ضمن تأکید بر اشتراکات و پیوندهای همبستگی آفرین ملت ایران عرصه‌های قانونی لازم برای تداوم و بالندگی تنوع در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی پیش بینی شده است. اما آنچه باید به آن توجه داشت مسئله مدیریت تنوع است. مسئله اصلی در مدیریت تنوع، توجه به این نکته است که بخش‌هایی از جامعه بر اساس ویژگی‌های مختلفی که تولید کننده این تنوع است گاه دچار نابرابری‌هایی در دستیابی به فرصت‌ها و امکانات می‌شوند. از الزامات چنین مدیریتی، ایجاد فضایی است که همه خرده فرهنگ‌ها احساس ارزشمندی و مشارکت در فرآیند عمومی پیشرفت جامعه را داشته باشند.

هویت و رویکردهای مختلف به آن

هویت مصدر "هو" به معنای هستی، ماهیت، سرشت در زندگی فردی و اجتماعی نقشی بی‌بدیل و پر سابقه دارد تا آنجا که پاسخ به پرسش "چه کسی بودن؟" نیاز طبیعی و ضروری انسان برای معارفه خود و رابطه اش با دیگران است. هویت موضوعی بین رشته‌ای است که از دیدگاه‌های مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است (گودرزی، ۱۳۸۵: ۱۷).

هویت موضوعی بین رشته‌ای است که از حوزه عرفان، اخلاق، فرهنگ، سیاست، امنیت و حتی اقتصاد به آن پرداخته اند؛ با این حال بیش از همه در روانشناسی و علوم اجتماعی از بحث‌های پایه‌ای به شمار می‌رود. به طور کلی پیرامون خاستگاه هویت سه رویکرد عمده وجود دارد: رویکرد جوهر گرایانه، ساختار گرایانه و گفتمانی.

رویکرد جوهر گرایانه ۲

در این رهیافت، هویت، برساخته‌ای در سطح تعاملی یا فرایند تبادلی است. در اینجا انسان یک سوژه‌ی آزاد نیست، بلکه یک فرد از یک جمع است؛ جمعی که جهان را به خودی و بیگانه تقسیم می‌کند (صالحی امیری، ۱۳۸۹: ۵۴).

به عقیده نوچه فلاح (۱۳۸۳)، در این رویکرد، هویت به معنای چه کسی بودن است که از نیاز طبیعی انسان به شناخته شدن یا معرفی شدن به کسی یا جایی نشأت می‌گیرد و نیازی ذاتی و اساسی است که در هر فردی وجود دارد. از این منظر می‌توان گفت هویت سابقه‌ای به اندازه تاریخ بشر دارد. از آن زمان که انسان احساس کرد باید به کیستی و چیستی خود در برابر طبیعت و محیط اجتماعی پاسخ دهد، مقوله‌ای به نام هویت شکل گرفت. به بیان دیگر انسان از زمانی که آغاز به شناخت خود کرد، مسئله هویت هم مطرح شد. این دیدگاه که جوهر گرا یا ماهیت گرا نام گرفته، همانند دیدگاهی که پیرامون منشأ ملت و ناسیونالیسم و هویت قومی وجود دارد و به ازلی‌گرایی یا جاودان‌گاری مشهور است، برای هویت جوهری ثابت قائل است. بنابراین چهره زیرین هویت، ثابت و پایدار است و آن چیزی است که هستی انسان را تعیین می‌کند و نشان می‌دهد، یعنی در همه انسان‌ها هست و ثابت و پایدار است (گودرزی، ۱۳۸۵).

رویکرد ساختار گرایانه

برخلاف گروه نخست، برخی بر این باورند که هویت ساخته‌ای اجتماعی است. از جایی نیامده و کسی آن را کشف نکرده، بلکه ساخته و پرداخته شرایط اجتماعی انسان‌هاست؛ چنانکه معناساز بودن هویت نیز بر ساختگی آن دلالت دارد. این اندیشمندان بر این باورند که هویت، ساخته و پرداخته‌ای اجتماعی است و در ظرف زمان و مکان خاص شکل گرفته و معنا می‌یابد (صالحی امیری، ۱۳۸۹: ۵۰).

انسان‌ها همواره باید چیزها یا اشخاص را طبقه بندی کنند و خورد را در داخل آن طبقه قرار دهند. بر اساس این دیدگاه، هویت امری ذاتی نیست، بلکه یک سازه است و چون از جنس معناست، بنابراین اعتباری و قراردادی است و در غیر این صورت قابلیت معناسازی نداشت. همچنین هویت متضمن تقسیم و تخصیص موقعیت‌ها و منابع است، بنابراین با معادله هزینه و فایده پیوند می‌یابد. در این راستا نقش و تأثیر هویت را در عرصه سیاسی - اجتماعی از دو منظر مورد توجه قرار

می‌دهند. نخست، از نظر انواع هویت‌ها مانند گروه بندی‌های قومی، نژادی، مذهبی، طبقاتی، جنسیتی و... و دوم، از نظر نقش و تأثیر گروه بندی‌های هویتی در فرایندها و پویایی‌های سیاسی. از منظر دوم هویت‌ها را به سه نوع مشروعیت بخش، مقاومت و برنامه دار تقسیم می‌کنند.

هویت‌های مشروعیت بخش بر اساس پیوند موقعیت و منافع خصوصی افراد و گروه‌ها با ساختارهای مسلط اجتماعی و سیاسی شکل می‌گیرد. تسلط این نوع هویت به استمرار نظم سیاسی کمک می‌کند. هویت‌های مقاومت بر اساس تقابل با ساختارهای سلطه‌ایجاد می‌شوند و مبنایی برای مقاومت در برابر ارزش‌ها و گروه‌های حاکم هستند. هویت‌های برنامه دار نیز توسط افراد و گروه‌هایی ساخته می‌شوند که تفسیر ساختار سلطه را نه از طریق تخریب ساختار موجود، بلکه از طریق باز تعریف خود و شکل دادن به یک سبک زندگی متفاوت از سوی دارندگان این هویت دنبال می‌کنند (گودرزی، ۱۳۸۵).

رویکرد گفتمانی (رویکرد پسامدرن)

رویکرد گفتمانی بر چگونگی تولید و سامان یافتن تمایزات و کنش‌های گفتمانی و انکار نقش هرگونه عامل طبیعی و نیز عنصر کارگزار اجتماعی از قبیل موجود در شکل‌گیری و تعریف هویت‌ها تمرکز دارد. به بیان دیگر، در نزد یک تحلیل‌گر گفتمانی، هویت در گردونه‌ای تنیده شده از استمرارها، عدم استمرارها، سنت‌ها، بدعت‌ها، تکرارها، انتزاع‌ها و در رابطه‌ای بر تافته از مناسبات در زمانی، هم‌زمانی، جانشینی، هم‌نشینی، سازواره، ناسازوار، عقلایی و غیر عقلایی شکل می‌گیرد. معنی یابی یا هویت یابی محصول موقعیت، منزلت و جایگاه سوژه است. معناساز بودن هویت بر ساختگی بودن آن دلالت می‌کند و به طور کلی، معناسازی، ماهیتی قراردادی دارد و هویت خود را در بستر گفتمان‌ها کسب می‌نماید. البته گفتمان‌ها خود بر ماهیت و شکل پایداری استوار نیستند؛ از این رو، مرزهای هویتی همواره لرزان، منزلت‌ها و مواضع هویتی پیوسته در ریزش اند (صالحی امیری، ۱۳۸۹: ۳۸).

محسن و دوران (۱۳۸۳) معتقدند که؛ رویکرد گفتمانی رویکردی پسا ساختارگراست، از این رو خود، نقدی بر رویکرد مدرن نیز به حساب می‌آید. تلقی افراد به عنوان این یا آن شخص و معرفی و متصف به صفاتی شدن و ارجاع به خود دادن، در زبان روزمره مشهود است. مثلاً زهرا مهربان است. من رفتم و... ما اغلب از خلال گفتمان است که به درکی از خود تفرد یافته مان با خصلت‌های خاص و قابلیت‌های ارجاع به خود دست پیدا می‌کنیم. با آن که مطمئناً چیزی در ورای گفتمان هست، اما آنچه وجود دارد عمدتاً از خلال تفسیر زبان شناختی است که به درون اعمال و افعال زندگی فرهنگی راه می‌یابد. با چنین ساختار گفتمانی است که هویت به شیوه‌های خاص از خلال روایت درست می‌شود (گودرزی، ۱۳۸۵).

هویت ملی

پدیده هویت ملی پدیده‌ای جدید است، همچنین مفهوم دولت ملی نیز تاریخچه نسبتاً کوتاهی دارد که شکل اولیه آن در قرن شانزدهم ظاهر شد، اما در اوایل قرن نوزدهم به طور فراگیر گسترش

یافت. علی‌رغم این واقعیت که هویت ملی در مقابل جوامع ایجاد شده است؛ باین حال از چنان اهمیتی برخوردار است که برخی از صاحب نظران معتقدند؛ امروزه هویت ملی شکل اصلی هویت جمعی محسوب می‌شود، چنانچه ویژگی منحصر به فرد بودن آن ملاک اصلی فرهنگ و هویت است و یگانه اصل حکومت و کانون اصلی اقدامات اقتصادی و اجتماعی محسوب می‌شود. در جهان معاصر هویت ملی به منزله هویت بنیادی شناخته می‌شود و این اعتقاد وجود دارد که ویژگی منحصر به فرد بودن آن باعث می‌شود که سایر هویت‌ها تا حدودی از طریق آن شناخته شوند و در نتیجه در درجه دوم اهمیت قرار گیرند. اگرچه این ادعاها ممکن است جایگاه هویت ملی را نشان دهد، اما ماهیت آن را نشان نمی‌دهند، لذا ارائه یک تعریف جامع و واضح از هویت ملی کاری بسیار دشوار است. باین حال دو نظریه ارزشمند در مورد هویت ملی توسط کلاس (۱۹۹۱) و اسمیت (۱۹۹۱) ارائه شده که به معرفی آن پرداخته می‌شود. اسمیت دو مدل هویت ملی ارائه می‌دهد، یکی مدل مدنی - سرزمینی (غربی) دیگری مدل قومی - تبارشناختی (غیر غربی) است. در مدل غربی تأکید بر اقلیم یا سرزمین، اجتماع سیاسی قانونی، فرهنگ مشترک و عقاید مدنی مشترک است. در مقایسه با آن مدل غیر غربی وجود دارد که در این مدل اولویت با تبار مشترک، قومیت و همبستگی‌های خونی است. در مدل اخیر هویت ملی می‌تواند کاملاً بیرون از سرزمین ملی حفظ شود یا برعکس، بیگانه هرگز نمی‌تواند به عنوان یک عضو اصلی ملی محسوب شود (پارمته، ۱۳۸۶).

گیلر و همکارانش هویت ملی را مجموعه ویژگی‌هایی می‌دانند که یک ملت را خاص و از دیگر ملت‌ها متمایز می‌سازد. از نظر آن‌ها مؤلفه‌های هویت ملی عبارتند از؛ میراث ملی، همگونی فرهنگی، ساختار نظام اعتقادی و قوم‌مداری. از نظر گیلر، این عناصر، خرده‌فرهنگ‌ها را در درون مرزهای ملی به هم پیوند می‌زند (گیلر و همکاران، ۱۹۹۹).

از نظر جامعه‌شناسی، هویت ملی به مثابه نوعی احساس تعهد و تعلق عاطفی نسبت به مجموعه‌ای از مشترکات ملی جامعه است که موجب وحدت و انسجام می‌شود، دارای ابعاد گوناگون خرده فرهنگ ملی-دینی جامعه‌ای و انسانی است و ویژگی اصلی آن، قابلیت انعطاف اجزای آن و بومی بودن ابعاد تشکیل دهنده آن است (صالحی امیری، ۱۳۸۹).

از مهم‌ترین عوامل مؤثر در انسجام تاریخی ایرانیان می‌توان به جغرافیا و سرزمین، عامل دین و زبان، جهان‌بینی و اخلاقیات عمومی و مشروعیت قانون اشاره کرد (یونسی، ۱۳۸۷).

آنچه که اغلب محققین بر آن اتفاق نظر دارند، این است که سه رکن مهم و عمده هویت ملی در ایران عبارتند از:

- ۱- جغرافیا و سرزمین با نوسانات میان فلات ایران با مناطق کوهستانی آن.
 - ۲- زبان فارسی با همه تغییراتی که در اثر آمیزش با زبان‌های ترکی، مغول و عربی داشته است.
 - ۳- دین اسلام که برغم همه اختلافات فرقه‌ای، اصل و اساس آن ثابت و استوار مانده است.
- همه ایرانیان از دوران باستان تاکنون در فلات ایران زندگی کرده‌اند و مرزهای جغرافیایی این فلات

هویت بخش مکان و بوم زیست آنان می‌باشد. آنان در این مکان خود را یافته‌اند و طی قرن‌ها با نوسانات زیست محیطی آن خود را تطبیق داده‌اند. نه تنها در ایران بلکه در بین همه ملت‌ها سرزمین مشترک در جغرافیای سیاسی امروز و تشکیل واحدهای مستقل سیاسی به اندازه‌ای اهمیت یافته است که بررسی هویت ملی بدون در نظر گرفتن آن مطالعه‌ای ناقص خواهد بود. در این میان برخی همان واحد سیاسی را محور و عامل اصلی هویت ملی می‌دانند (زاهد، ۱۳۸۷).

مدیریت تنوع فرهنگی و هویت ملی

بی تردید پرداختن به مساله هویت ملی با توجه به ساختار گوناگون از نظر قومی، نژادی، مذهبی و فرهنگی جامعه ایرانی و در شرایط بین‌المللی و منطقه‌ای بحران زده کنونی پراهمیت و بسیار حساس است و بدیهی است که تامل، دقت و مدیریت خاصی را می‌طلبد.

در دنیای امروز اکثر کشورهای جهان به لحاظ قومی ناهمگون و به نوعی دارای ویژگی تنوع قومی و نژادی هستند که کشور ایران نه تنها از جمله این کشورهاست، بلکه اقوام و گروه‌های قومی و فرهنگی تشکیل دهنده جامعه ایران به نحوی است که اطلاق واژه‌های «کثیرالمله» و «کثیرالقوم» به این کشور گویای این واقعیت غیرقابل انکار بوده و هست. این گوناگونی که شامل گروه‌های قومی و زبانی و مذهبی و نژادی و... است. به گفته‌ای، خصیصه بنیادی - و نه تنها خاص - جامعه ایران است. موضوع تنوع قومی و فرهنگی در ارتباط تنگاتنگ و مستقیمی با موضوعات و مقولاتی همچون «وحدت و یکپارچگی ملی» و «هویت ملی» و نیز «امنیت ملی» است. از این رو ویژگی «تنوع و تکثر» جامعه ایرانی به مثابه شمشیر دو تیغی است که هم می‌تواند فرصت باشد و هم به عنوان یک تهدید تلقی گردد. لذا یادآوری این نکته بسیار ضروری است که هیچگاه طرح مساله قومیت‌ها و مذاهب مختلف ناقص اندیشه «اتحاد» یا منکر اصل «وحدت ملی» نیست، بلکه عدم مدیریت تنوع فرهنگی که منجر به حاشیه راندن این قبیل مباحث از گستره پژوهش‌ها و نشست‌های علمی و فرهنگی می‌شود، می‌تواند تهدیدی برای «هویت ملی» و در نتیجه «وحدت ملی» باشد.

تنوع فرهنگی از جمله مسائل عمده‌ای است که جوامع حاضر با آن مواجه هستند. متأسفانه بیشتر مدیران به تفاوت‌های فرهنگی به عنوان منبع و عامل موثر در ایجاد برتری رقابتی بها نمی‌دهند و باین توصیف که تفاوت فرهنگی مسئله مهمی نیست؛ از فکر کردن به تفاوت‌های فرهنگی و مهارت‌های مورد نیاز برای اداره آن طفره می‌روند. در حالی که تنوع فرهنگی دارای مزایای بسیاری می‌باشد (لیپ و کلاری، ۲۰۰۳).

از سویی دیگر افراد دارای هویت‌های گوناگونی هستند و این هویت‌ها لزوماً در مقابل همدیگر قرار نمی‌گیرند. افراد از هویت‌های گوناگون خود به عنوان بسته‌های اطلاعاتی استفاده کرده و در موقعیت‌های کنشی مقتضی از آن‌ها سود می‌جویند. هویت ملی و هویت قومی نیز دو نوع هویت جمعی هستند که افراد در طی اجتماعی شدن، آن‌ها را درونی کرده و جزئی از شخصیت خود

می‌شازند و از آن در موقعیت مقتضی استفاده می‌کنند (ابوالحسنی، ۱۳۸۸).

در ماده یک منشور جهانی یونسکو که مربوط به تنوع فرهنگی است، تنوع فرهنگی میراث مشترک بشر معرفی شده و تأکید شده که: "فرهنگ بر حسب زمان و مکان، اشکال گوناگون پیدا می‌کند. این تنوع در اصالت و تعدد هویت‌هایی نهفته است که گروه‌ها و جوامع تشکیل دهنده جامعه بشری را از یکدیگر متمایز می‌سازد. تنوع فرهنگی منبع تبادل، نوآوری و خلاقیت است. همان طور که تنوع زیستی برای بقای طبیعت حیاتی است؛ تنوع فرهنگی نیز شرط ماندگاری حیات انسانی است. در این مفهوم، تنوع فرهنگی، میراث مشترک بشری است که برای نسل کنونی و نسل‌های آینده باید آن را به رسمیت شناخت و حفظ کرد."

از طرفی در ماده دواین منشور اینگونه بیان شده است: "در جوامع ما که تنوع آن رو به فرونی است، تضمین تعادل موزون و تمایل به همزیستی میان ملت‌ها و گروه‌های دارای هویت‌های فرهنگی بسیار متنوع ضروری است. اتخاذ سیاست‌هایی برای مشارکت و دخالت شهروندان، ضامن انسجام اجتماعی، سرزندگی جامعه مدنی و صلح است، بنابراین کثرت‌گرایی فرهنگی واکنش سیاسی به واقعیت تنوع فرهنگی و جزء لاینفک ساختار دموکراتیک است و به تبادل فرهنگی و شکوفایی ظرفیت‌های خلاق که حیات عمومی را پایدار می‌سازد منجر می‌شود." و در ماده سوم از تنوع فرهنگی به عنوان عامل توسعه یاد شده است (یونسکو، ۱۳۸۴).

نگرش‌های مختلف به مدیریت جوامع چند فرهنگی، در واقع استراتژی‌های متفاوتی برای مدیریت تفاوت‌های فرهنگی هستند. بر اساس این استراتژی‌ها، گاهی تنوع فرهنگ مقوله‌ای ناروا و نامربوط، یا یک مشکل یا تهدید و یا به منزله فرصتی برای یادگیری و ابتکار و منبعی برای کسب مزیت رقابتی تلقی می‌شود (نوتر، ۱۹۸۹).

امروزه در ادبیات سیاسی و اجتماعی از دو مدل یا الگوی عمده سیاست‌گذاری قومی و فرهنگی در قبال تنوع فرهنگی جوامع بحث به میان آمده است که عبارتند از: مدل همانند سازی و مدل تکثر گرایی.

در مدل همانند سازی دو گروه وجود دارند که عبارتند از: گروه اول؛ نامزدان همانند سازی یا تازه واردان و گروه دوم؛ جامعه پذیران. گروه نخست باید وسایل جدید را به دست آورند و چگونگی به کار گیری مکانیزم‌های جدید را فراگیرند. در این فرایند نظام ارزشی تازه واردان تغییر می‌کند. به همین دلیل سیاست همانند سازی را فرایند تغییر اجتماعی و فرهنگی نیز نامیده‌اند. فرهنگ پذیری تازه واردان به آنان امکان می‌دهد که نقش‌های تازه خود را بیابند و قواعد، سنت‌ها و رسوم جامعه وسیع را بپذیرند.

در این الگو، همانند سازی، ایده آل یا غایتی منسجم تلقی می‌شود که سیاست‌های دولت وایدئولوژی‌ها بر اساس آن شکل گرفته و ترکیبی زیست‌شناختی، فرهنگی، اجتماعی و روانی از گروه‌های قومی متمایز و منفرد به منظور ایجاد یک جامعه بدون تفاوت قومی به وجود می‌آید (صالحی امیری، ۱۳۸۵).

دیدگاه تکثرگرایی، دیدگاهی است که سازمان دهی را به نحوی مطلوب می‌داند که در آن هر خانواده فکری - عقیدتی هم امکان و وسایل حراست از ارزش‌های خاص خود را داشته باشند و هم آن که به احقاق حقوق خود نایل آید و زمینه لازم جهت مشارکت فعالانه در صحنه‌ها سیاسی و اجتماعی را به دست آورند. تحقق چنین نظامی متضمن پذیرش نوعی بیطرفی از جانب قدرت حاکم و مشارکت نهادها و گروه‌های موجود در جهت اعتلای مصالح عمومی است. به عبارتی، در جامعه تکثرگرا تمامی گروه‌های فرهنگی و فکری پذیرفته شده و از طریق مشارکت و همزیستی در عین حفظ ویژگی‌های خود به یک نظام اجتماعی ملحق شده‌اند. تکثرگرایی نقطه مقابل همانند سازی است.

دیدگاه دیگری که وجود دارد، الگوی وحدت در کثرت می‌باشد. این الگو، مبتنی بر تصورات یا برداشت‌هایی چند در مورد انسان و اجتماع انسانی است، مفروضاتی که بر نوع سیاست و مدیریت و استراتژی مدیریتی و چگونگی کاربست آن در اجتماعات قومی در جهت رسیدن به وحدت و انسجام ملی تأثیر گذار است. براین اساس، سیاست مطلوب مدیریت تنوع، الگوی وحدت در کثرت خواهد بود (صالحی امیری، ۱۳۸۵).

مدیریت تنوع فرهنگی، تنها ناظر بر تحلیل روابط و مناسبات و ویژگی‌های فرهنگی اجتماعات و گروه‌های شکل دهنده یک جامعه و آثار و تبعات ناشی از این تنوع نیست، بلکه بر عمل در چنین چارچوبی و پیش بردن جامعه به سوی توسعه و پیشرفت و شکوفایی استعدادهای افراد و گروه‌ها در شرایط متحول و متغیر فرهنگی نیز دلالت دارد (هاروای، ۲۰۰۶).

تکوین هویت ملی، فرایندی طولانی و پیچیده دارد. عوامل جغرافیایی، قومی، زبانی، اعتقادی، معیشتی، سرگذشت تاریخی، اعیاد و رسوم و... همه و همه طی اعصار و قرون دست به دست هم می‌دهند و هویت یک ملت را می‌سازند. سپس در قالب تعلیم و تربیت و به طور کلی فرهنگ در معنای عام و گسترده‌ی آن، از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند. در روند توسعه سیاسی (که می‌بایست پیام آور جامعه‌ای قانونمند، و اعتراف و احترام به حقوق افراد و گروه‌ها باشد) ایجاد حس وفاداری و تعهد یکسان و هماهنگ میان تمام افراد و گروه‌های فرهنگی نسبت به اصول و ارزش‌های مشترک جامعه به محوریت "هویت ملی" ضروری است. بدیهی است در جامعه‌ای متنوع و گوناگون (از نظر قومی، مذهبی و فرهنگی) مثل ایران، هویتی موفق و کارساز است که صفت "ملی" آن در برگیرنده تمام هویت‌های قومی، مذهبی و فرهنگی این سرزمین باشد و نه نافی آن‌ها. لذا از این رو است که چنانچه فرایند هویت سازی در ایران بر پایه بنیادگرایی صورت گیرد، به بن بست خواهد رسید. یعنی هیچگاه نباید تصور کرد که هویت‌های گوناگون نمی‌توانند هویت ملی واحدی را تشکیل دهند یا نباید تصور کرد وجود هویت‌های مختلف جامعه در تضاد با مفهوم هویت ملی و منافی با آن هستند، چرا که سیر تحول و ضرورت هویت ملی جامعه ایران بیانگر این واقعیت است که همه گروه‌های فرهنگی و دینی برای شکل دهی و سامان بخشیدن به هویت ملی

مشارکت داشته اند. بنابراین از بایسته‌های تحکیم و همین طور پویایی هویت ملی، بازنگری و تعریف عناصر ثابت و متغیر آن و بازسازی آن‌ها مطابق با نیازها، واقعیت‌ها و شرایط جامعه است. این هویت ملی جامع و پویا است که می‌تواند ضامن "وحدت ملی" باشد. بنابراین رهیافت و یا رویکرد مدیریتی به تنوع بسیار حائز اهمیت است. در مدیریت تنوع، تنها مسئله برخورداری از فرصت‌های برابر نیست که باید مورد توجه قرار گیرد، بلکه این برخورداری نباید به ایجاد چالش در همبستگی و انسجام جافتاده فرهنگی در کشور منجر شود. مدیریت تنوع فرهنگی با استوار سازی جامعه بر پایه‌های قانون، هویت اجتماعی و ملی را تقویت می‌کند. بهره‌مندی بدون تبعیض جامعه از مواهب توسعه متوازن، توزیع متناسب و عادلانه فرصت‌ها و منابع، افزایش میزان سطح سواد جامعه - به طوری که هر چه سواد افراد افزایش یابد، قدرت تحلیل بیشتر می‌شود و حساسیت‌های قومی و قبیله‌ای منطقی‌تر می‌شود- گسترش حقوق سیاسی اقلیتها از طریق تحقق حقوق شهروندی، تقویت نهادهای مدنی، برابری در فرصت‌های دستیابی به مقامات سیاسی و اداری، انتخاب توأم با اطمینان و اعتماد به مسئولان بومی، مشارکت سیاسی نهادینه شده، اصلاح جهت‌گیریها و برنامه‌های رسانه‌های جمعی و جلوگیری از تحقیر هویت‌های قومی در رسانه‌ها به مدد مدیریت صحیح، می‌تواند مهم‌ترین عوامل تولید، انعکاس، انتقال و بازسازی هویت ملی باشد. همچنین مدیریت تنوع فرهنگی با تقویت فرآیند ارتباطات قومی و تعاملات گسترده بین خرده فرهنگها موجب کاهش حساسیت‌ها شده و سلیقه‌ها، تقاضاها، مطالبات و انتظارات مردم و شهروندان را باعث می‌شود و موجب وحدت ملی و ثبات می‌شود. تعاملات قومی باعث همگن‌سازی، تأکید و تقویت نکات مشترک وحدت بخش و ایجاد تفاهم، علقه و رفع حساسیت‌ها و تعصبات مخرب دارد؛ بالاخص باعث جلوگیری از محرومیت‌زایی و شکل‌گیری آن در فضای ذهنی اقوام و خرده‌فرهنگ‌ها خواهد شد (باهر، ۱۳۸۷). در مجموع مدیریت تنوع فرهنگی، تشویق و ترغیب‌گرایشی است که همه خرده فرهنگ‌های موجود را از منظر فرهنگ ملی، خودی دانسته شوند و تلاش اصلی آن معطوف به ایجاد "ما"ی مشترک است. مدیریت تنوع فرهنگی و نقش آن در هویت ملی از موضوعات پیچیده سرزمین ایران است، چرا که احساسات قومی و منطقه‌ای امروز در بسیاری از نقاط دنیا خصوصاً کشورهای مسلمان انگیزه خوبی برای ایجاد تفرقه است.

جمع‌بندی

با توجه به ماهیت هویت ملی و اهمیت آن، لازم است این مفهوم را کاملاً درک کرد که نباید میان «هویت ملی» و «هویت فردی و گروهی» هیچ گونه تعارض و تباینی وجود داشته باشد. بدین سان می‌بایست کارشناسانه بستر و شرایطی که موجب تهدید واقعی و جدی هویت ملی می‌شوند را بررسی و شناسایی کرد. مساله حائز اهمیت در طرح این قبیل مباحث و هدف مورد نظر، باید دستیابی به پاسخ و راه حلی علمی و واقع‌گرایانه و در عین حال راهبردی در زمینه مسائل سیاسی

و اجتماعی و فرهنگی جامعه متنوع و متکثر ایران برای این پرسش عمده و چالش برانگیز باشد که: چگونه در جامعه‌ای مثل ایران می‌توان به همبستگی و اتحاد ملی دست یافت که از یک سو ثبات و پیشرفت و توسعه همه جانبه کشور را تضمین کند و از سوی دیگر ضامن حقوق تمام افراد و گروه‌های مختلف مذهبی و قومی و زبانی و فرهنگی باشد؟

را از این تنوع تکثرزا زمانی بیشتر خود را نمایان می‌سازد که وحدت طبیعت و فطرت انسانی و همچنین ظهور و تجلی فرهنگها و تمدنها از ادیان و یکتایی و تعالی پیام همه ادیان و اصول و مبانی آن مورد توجه قرار گیرد. از این رو است که تعالیم الهی این تکثر را تکثر واحد می‌داند. تکثری که بر اساس تعالیم الهی در مشیت خداوندی خواسته شده است.

چنین تلقی از تکثر ناشی از وحدت حقیقی و حقانیت بخشی به فرهنگها و تمدنهای اصیل انسانی را در پی دارد. فرهنگها و تمدنهایی که ریشه در ادیان و تعالیم الهی داشته و شاید راه جاودانگی آن تمدنها و فرهنگها و افول برخی دیگر بر اساس همین اصل باشد.

از الزامات نگاه فرصت محور به تنوع قومی در کشوری مانند ایران که ۷۰ میلیون جمعیت دارد و رنگین کمان زیبایی از اقوام، مذاهب و فرهنگهای مختلف را در خود جای داده، این است که تحت هیچ شرایطی نباید از توان، استعداد و شایستگیهای بخش یا بخشهایی از این جمعیت غافل ماند. محروم کردن جامعه از فرهنگ، توان و انرژی بلوچ، ترکمن، کرد، عرب و یا آذری خدمت به ایران نیست بلکه انسجام کشور و همبستگی اجتماعی را از میان می‌برد.

تنوع و تکثر قومی یا به عبارتی فرهنگی ملت ایران فرصت بزرگی است که فراروی نظام اسلامی قرار گرفته است و ایران اسلامی با اتکای به این منبع عظیم و سرشار است که قادر به بقای فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی در برابر جریان جهانی سازی فرهنگی است. از این رو اتخاذ رهیافت‌های مبتنی بر تکثر فرهنگی در سیاست‌گذاری‌های کلان می‌تواند بهترین و بیشترین بهره را عاید کشور نماید و در شکل دهی هویت ملی مؤثر واقع شود.

دولت باید در راستای اصلاح سیاست‌ها و خط‌مشی‌های کشور نسبت به مسئله قومیت‌ها اقداماتی را انجام دهد. ابتدایی‌ترین کار در این مسیر پذیرش تعدد اقوام و فرهنگها به عنوان یک واقعیت ایرانی در کشور و شناخت ابعاد و مؤلفه‌های آن است. اتخاذ سیاست‌های صحیح و جامع در سطح کشور جهت تحقق وحدت ملی و انسجام از ضروریات بالایی برخوردار است.

در این راستا آموزش و پرورش نقش بنیادینی را در تقویت هویت ملی و فرهنگی بر عهده دارد؛ امروزه اعتقاد بسیاری به این است که آموزش و پرورش در مقابل مسئله هویت و پدیده‌های مشابه آن چون جهانی شدن، بین‌المللی شدن، اقتصاد و سیاست باید پاسخگو باشد. اکنون جوامع تغییر یافته و به دنبال هویت‌های جدیدی هستند. شاید زمان آن باشد که بار دیگر شکل، اهمیت، ضرورت و حتی نقش آموزش و پرورش در رشد هویت ملی مورد بازنگری قرار گیرد.

همچنین می‌بایست پیش از هر چیز ذهنیت افراد را از انگاره‌ها و نگرش‌های مطلق‌گرا و

دیدگاه‌های یکسویه‌نگر که متأسفانه به شکل برجسته‌ای در ادبیات سیاسی ما و به ویژه در برخورد با مسأله قومیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف نمود می‌یابند، زدود. لازم است دست اندرکاران از یک سو نگرش در رسانه‌ها و یا سوگیری در مواجهه با فرهنگ اقوام و مذاهب بپرهیزند. باید تلاش جهت‌ایجاد فرصت‌های متعارف رسانه‌ای برای بیان ارزش‌های اقوام مختلف دینی، اجتماعی، فرهنگی صورت گیرد. رسانه‌ها نقش بسیار مهمی در معرفی فرهنگ‌ها و ارزش‌دهی به آن‌ها ایفا می‌کنند. اگر رسانه‌ها، اقوام و مذاهب و مراسم مربوط به هر فرهنگ را با دیده احترام و ارزش در قالب‌های جذاب معرفی نمایند، فرزندان این مرز و بوم در معرفی هویت ملی و فرهنگی خود با اعتماد به نفس بیشتری اقدام خواهند کرد. رسانه‌ها می‌توانند با تقویت باورها، سنن و فرهنگ‌های باستانی، معقول و مقبول اقوام برای بازگشت به هویت ریشه دار اقوام ایرانی در مقابله با هویت زدایی و یک دست‌سازی فرهنگ، پردازند.

منابع و مآخذ

- ابوالحسی، سیدرضا (۱۳۸۸). تعیین و سنجش مؤلفه‌های هویت ایرانی. تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- باهنر، محمدرضا (۱۳۸۷). جامعه ایرانی؛ فرصت‌ها و چالش‌ها. مجموعه مقالات و سخنرانیهای همایش ملی "تنوع فرهنگی و همبستگی ملی". تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- پارمنته، لین (۱۳۸۶). هویت ملی در جهان متغیر: دیدگاه‌های (مختلف) در آموزش و پرورش ژاپن. مترجم: آمنه تبریزی، پژوهشنامه تنوع فرهنگی و همبستگی ملی، شماره ۸، ص ۱۶۱-۱۸۱.
- خبرگزاری فارس (۱۳۸۵). متن سند نهایی چشم انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران. www.farsnews.ir. تاریخ دسترسی ۱۳۸۹/۷/۶.
- زاهد، سعید (۱۳۸۷). هویت ملی ایرانیان. پورتال شهر الکترونیک همدان. www.hamedan.ir. تاریخ دسترسی ۱۳۸۹/۶/۱.
- صالحی امیری، سید رضا (۱۳۸۵). مدیریت تنوع قومی مبتنی بر سرمایه اجتماعی. فصلنامه راهبرد، شماره ۴۰، ص ۳۷-۵۰.
- صالحی امیری، سید رضا (۱۳۸۹). انسجام ملی و تنوع فرهنگی. چاپ دوم، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- قیصری، نورالله و صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۷). مجموعه مقالات و سخنرانیهای همایش ملی "تنوع فرهنگی و همبستگی ملی". تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- گودرزی، حسین (۱۳۸۵). مفاهیم بنیادین در مطالعات قومی. تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- یونسکو (۱۳۸۴). تنوع فرهنگی و زبانی در جامعه اطلاعاتی. ترجمه غلامرضا امیرخانی. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- یونسی، علی (۱۳۸۷). وحدت و انسجام ملی ایرانیان: بنیادها و ریشه‌ها. مجموعه مقالات و سخنرانیهای همایش ملی "تنوع فرهنگی و همبستگی ملی". تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- Harvay, Jhon. (2006). What is diversity. <http://www.irisconsulting.co.uk/articles.htm>.
- Keilor, B. D & Hult, G. (1999). Five- country Study of National identity: Implication for international marketing research and practice. *International Marketing Review*, Vol. 16 No. 1.
- Knotts, Rose. (1989). Cross- cultural management, transformation and adaotation. *Greenwich: Business Horizons*. Vol 32. issue 1. pp:29-34. Available from: <http://proquest.umi.com>
- Lipp, G, Clarke C. (2003). *Managing culture*. Available from: www.emeraldinsight.com